

سیمای امیرالمؤمنین علیه السلام

در کلام

علیه السلام

علی تقصی

سرشناسه : ثقفی، علی، ۱۳۲۵ - Saghafi, Ali

عنوان قراردادادی : نهج البلاغه، برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور : سیمای امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام علی علیه السلام / علی ثقفی.

مشخصات نشر : تهران: هاد، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۳۶۴ ص.

شابک : : ۸-۰۶-۸۴۶۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتاب حاضر شرح بخشی از کتاب «نهج البلاغه» تالیف علی بن ابیطالب (ع) است.
یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- نقد و تفسیر

Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Criticism and interpretation

شناسه افزوده : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه، برگزیده. شرح

Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah

رده بندی : ۱۳۵/۱۳۵۴/۷۳۰۴۲۳

رده بندی دیوینی : ۲۹۷/۱۵

شماره کتابشناسی ملی : ۴۳/۴۹۸۱



تلفن ۳۰۹۱۷۳۱۰

سیمای امیرالمؤمنین (ع) در کلام علی (ع)

مؤلف : علی ثقفی

چاپ اول: شهر یور ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروف چینی: مفید کامپیوتر

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۸-۰۶-۸۴۶۴-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

ISBN 978-600-846-76-8



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
قصیده غدیریه.....	۱۴
خطبه سوم «شقشقیه».....	۲۴
نکات با اهمیت تر این خطبه ..	۲۹
خط چهارم.....	۳۱
خطبه پنجم.....	۳۴
چرا این خطبه ایراد شد؟.....	۳۵
چهار نکته مهم ایریتی.....	۳۶
امان از قضایای دنیوی.....	۳۹
چرا سکوت کردم.....	۴۱
خطبه ششم.....	۴۳
هرگز غافلگیر دشمن نشوید.....	۴۴
هیچگاه دست از مبارزه نمی کشم.....	۴۵
خطبه دهم.....	۴۸
دو ویژگی امام در کلام امام.....	۴۸
خطبه پانزدهم.....	۵۲
برگشت اموال غارت شده به هر قیمت.....	۵۲
نظری به حاتم بخشی عثمان از بیت المال.....	۵۵
از خطبه بیست و دوم.....	۵۸
علی علیه السلام و تهدید به مرگ!!.....	۵۸
من کی از جنگ ترسیده ام.....	۶۰
خطبه بیست و چهارم.....	۶۲
سازش کاری هرگز.....	۶۲
من ضامن رستگاری شما هستم اگر.....	۶۲
از خطبه بیست و ششم.....	۶۷
صبری جانکاه.....	۶۷
خطبه سی و سوم.....	۷۱
کی و کجا این خطبه ایراد شد؟.....	۷۲
حدیث حاصف النعل.....	۷۴
عرب جاهلی در یرتو اسلام.....	۷۴
نقش امام در این پیروزی.....	۷۷
اینک من در همان مسیر هستم.....	۷۹
قریش از من چه می خواهند؟.....	۸۰
چرا انتقام گیری؟.....	۸۳
خطبه سی و هفتم.....	۸۶
ایستادگی در برابر طوفانها.....	۸۷
همراه نور الهی.....	۸۹
پیشتابی شکست.....	۹۰
دادگری و فرمانبری.....	۹۳
نماد حاکمان مظلوم و مبارزه با ستمگر.....	۹۴
نخستین مسلمان.....	۹۶
وظیفه من چه بود؟.....	۹۷
خطبه پنجاه و هفتم.....	۱۰۱
دو فرمان شیطانی.....	۱۰۴
خطبه شصت و دوم.....	۱۰۶
چرا این خطبه قرائت شد؟.....	۱۰۶
مرگ؛ سرانجام آمدنی است.....	۱۰۷
اجل محتوم و اجل موقوف.....	۱۱۰
خطبه هفتاد و چهارم.....	۱۱۳

- پيامدهای مخالفت با علی (ع) . ۱۷۷
- گوینده صادق و شنونده عاقل ۱۷۹
- از خطبه صد و نهم ۱۸۰
- پنج ویژگی امام (ع) ۱۸۰
- دوست و دشمن این چنین هستند ۱۸۲
- از خطبه صد و بیستم ۱۸۳
- سه ویژگی امام در کلام امام ۱۸۳
- بیان ابن ابی الحدید ۱۸۷
- اهل بیت (ع)، خاستگاه حکمت ۱۹۲
- از خطبه صد و بیست و سوم ۱۹۵
- از خطبه صد و بیست و پنجم ۱۹۶
- ما سزاورتر و شایسته تریم ... ۱۹۶
- خطبه صد و بیست و ششم ۱۹۸
- هفت مسئله را توجیه نمی کند ۱۹۹
- اصل بر عدالت است ۲۰۱
- آثار سوء تبعیض ۲۰۴
- از خطبه صد و بیست و هفتم ۲۰۵
- حق در میانه روی است ۲۰۵
- از خطبه صد و سی و یکم ۲۰۷
- جز هدف الهی در کار نبود ۲۰۸
- ویژگی های یک حاکم الهی ... ۲۱۱
- خطبه صد و سی و ششم ۲۱۵
- دو تفاوت من با دیگران ۲۱۵
- ای مردم مرا کمک کنید! ۲۱۹
- از خطبه صد و سی و نهم ۲۲۴
- پیشینه کلام امام (ع) ۱۱۳
- شایسته تر از همه ۱۱۶
- خطبه هفتاد و هشتم ۱۱۹
- چهار دعای انسان ساز ۱۲۰
- در اهمیت دعا ۱۲۶
- از خطبه هشتاد و هفتم ۱۳۲
- اولای الهی همیشه زنده اند ۱۳۳
- نچندین انجام داده ام ۱۳۶
- از کج فهمی پرهیزید ۱۴۱
- خطبه نود و دهم ۱۴۳
- خودداری اندیشیدن خلافت چرا؟ ۱۴۴
- اگر من زمامدار باشم ۱۴۸
- بگذارید من یکی از شما باشم ۱۵۰
- چرا وزیر، نه امیر ۱۵۱
- خطبه نود و سوم ۱۵۱
- من چشم فتنه را در آوردم ۱۵۶
- فتنه چیست؟ ۱۵۸
- امام از کدام فتنه می گوید ۱۶۰
- هرچه می خواهید از من برسید ۱۶۲
- آنچه ابن ابی الحدید می گوید: ۱۶۴
- کسی جرأت این کار را نداشت ۱۶۹
- علم امروز تا دامنه قیامت را می دانم ۱۷۱
- چگونه امام به عالم غیب آشنا است؟ ۱۷۲
- بعد از من سرگردان می شوید ۱۷۴
- روزگار سختی در پیش دارید ۱۷۵
- از خطبه صد و یکم ۱۷۷

خطبه دویست و پنجم	۲۸۰	سه فضیلت امام علی (ع)	۲۲۴
نکته‌های کلیدی خطبه	۲۸۲	سخنم را بشنوید و حفظ کنید	۲۲۶
از خطبه دویست و شانزدهم	۲۸۴	از خطبه صد و پنجاه و ششم	۲۲۹
بی جهت مداح کسی نباشید	۲۸۶	خطبه صد و پنجاه و نهم	۲۳۰
در برابر خدا جز تواضع نیست	۲۸۸	محبت امام، ناسپاسی مردم	۲۳۰
نمایش تواضع در کلام امام	۲۸۹	از خطبه صد و شصتم	۲۳۳
نه چاپلوسی، نه محافظه‌کاری	۲۹۱	خطبه صد و هفتاد و پنجم	۲۳۵
دو امتیاز دیگر امام (ع)	۲۹۲	غفلت‌زدگان زیر نظر	۲۳۷
ما بنده و او مالک ما است	۲۹۶	دو تنبیه روشنگر از غافلان	۲۳۹
خطبه دویست و بیست و چهارم		آگاه از پیش برده غیب	۲۴۲
.....	۲۹۸	معلم من پیامبر بود	۲۴۴
هرگز ظلم را بر نمی‌تابم	۳۰۱	من همواره پیشقدم بوده‌ام	۲۴۶
دنیا ارزش ظلم کردن را ندارد	۳۰۳	از خطبه صد و هشتاد و نهم	۲۴۹
چرا حضرت از کلمه رجوع استفاده		من چراغ روشنی بخش هستم	۲۴۹
کرده است	۳۰۴	از خطبه صد و هشتاد و نهم	۲۵۱
در نمونه بارز دقت در صرف بیت		هرآنچه می‌خواهید از من بپرسید	
المال	۳۰۶		۲۵۱
درخت است عقیل و برخورد امام		داناتر از زمین در آسمانها	۲۵۴
.....	۳۰۷	علاج واقعه قبل از وقوع	۲۵۸
اینک ای امام شنیدنی است		از خطبه صد و نود و دوم	۲۵۹
.....	۳۱۰	خطبه صد و نود و هفتم	۲۶۶
دو سه نکته قابل توجه	۳۱۳	همواره با خدا و رسولش بودم	۲۶۷
نقل داستان از زبان عقیل	۳۱۴	هنگامه قبض روح رسول الله (ص)	
قصه‌ای از علامه مجلسی	۳۱۵		۲۷۲
بیت المال و مساوات مسلمانان		هنگامه غسل و دفن پیامبر (ص)	
.....	۳۱۸		۲۷۵
داستان رشوه آوردن اشعث	۳۱۹	چه کسی از من سزاوارتر است؟!	
از نامه دهم	۳۲۹		۲۷۶
رهروی راستین و مقاوم	۳۲۹	آگاه و صادق باشید	۲۷۷
نامه بیست و سوم	۳۳۱	من در جاده حق هستم	۲۷۸

۳۵۴.....	حکمت صد و نهم	۳۳۲.....	دو ستون استوار
۳۵۴.....	تکیه گاه میانه	۳۳۴.....	درس بزرگ عبرت روزگار
۳۵۶.....	حکمت صد و هشتاد و پنجم	۳۳۶.....	بیخشید تا خداوند ببخشد
۳۵۶.....	دو ویژگی ممتاز امام	۳۴۰.....	از نامه چهل و یکم
۳۵۸.....	حکمت دویست و سی و ششم	۳۴۱.....	قاطعیت در هر حال
.....	حکمت دویست و هفتاد و ششم	۳۴۲.....	از نامه چهل و پنجم
۳۶۰.....		۳۴۳.....	زیاد ساده زیستن و ورع
۳۶۱.....	پرهیز از ریا	۳۴۸.....	از نامه شصت و دوم
۳۶۴.....	منابع	۳۴۹.....	پند نکته با اهمیت تر
		۳۵۰.....	حکمت چهل و یکم



پیشگفتار

یست و یک سال پیش وقتی سرگذشت کوتاهی از زندگی مولایم امیر المؤمنین علی علیه السلام را با عنوان «آئینه حق» به چاپ رساندم، پیش گفته‌ای را در ابتدا آوردم و امروز وقتی خواستم به این کتاب پیش رو، مقدمه‌ای بنگارم بهتر دیدم از همان متن استفاده کنم که دلنوشته‌ای همیشه تازه و پرمحتوا است. هم‌سن‌نیل را مرور می‌کنیم.

علی علیه السلام ای آیت خدا، ای خدایی، علی علیه السلام ای مظهر اسماء حسنا، الهی، علی علیه السلام ای نقطه پرگار عالم خلقت، علی علیه السلام ای آشنای ملائک آسمانی، علی علیه السلام ای آسمانی خاک نشین، گرم بودی کدام یک از صفات الهی تجلی می‌یافت، تو آمدی تا خدا را معنی کنی و خدا تو را خلق کرد که خود را بنمایاند، تا همه بفهمند که هیچ کس حتی توان خدا به آئینه دار نور را ندارد و هر دستی کوتاهتر از آن است که به دامن کبریایی تو برسد و هیچ قدمی تاب پیمودن راه رفته تو را نمی‌آورد، مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام که از جایگاه خاصی برخوردارند.

صبر در مکتب تو درس شکیبایی آموخت، شجاعت و امدار قدرت توست، عفت از نگاه تو سرچشمه گرفت و هر در علم به سوی گنجینه

دانش تو باز شد. باران رحمت پروردگار نشانی از دریای کرم تو است. تقوی شاگرد نو پای مکتب و عبادت از شب زنده داری تو آبرو گرفت. تندر نگاه تو صاعقه دشمن سوز میدان نبرد است و اشک چشمانت آرامبخش دیدگان بارانی یتیمان و بیوه زنان است. تو تیغ تیز خشم خدایی و ناستگاه لطف و رحم سبحانی.

راستی دنیای بدون علی (ع) چه ارزشی داشت، محبت چگونه معنی می شد، صله ای ناتمام می ماند. علی (ع) آمد تا همه چیز را کمال بخشد؛ شرف را، انسانیت را، استی و پاکدامنی را، رهبر و راهبری را، بالاتر از همه دین را و از آن همه بالاتر نعمت پروردگاری را که فرمود:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي (۱)

جز علی (ع) چه کسی خانه خداست، پنجره کدامین چشم به جز دیده حق بین علی (ع) به چهره رسول خدا (ص) باز گشت. سخن گفتن از علی (ع) کاری خدایی است و جز بر بنده مخلص رسول خدا (ص) کسی را راه به ساخت قدس او نیست. چگونه می توان درباره شخصی سخن گفت که هیچ زمینی جز خانه خدا لیاقت رویش او را نداشت و هیچ پادشاهی جز محمد (ص) شایستگی برادری او را، و هیچ بانویی جز زهرا (ع) توان همسری او را نیافت.

بله، همه جسمند و علی (ع) روح، همه تنند و علی (ع) جان، همه پوستند و علی (ع) مغز، همه طفل رهند و علی (ع) رهبر، همه مُرید و

علی علیه السلام مراد، همه مقدمه و علی علیه السلام مقصود و همه وسیله‌اند و علی علیه السلام هدف، و چه بگوییم که:

عَجَزَ الْوَاصِفُونَ عَنْ صِفَتِكَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ

ای علی علیه السلام تو کلام خدائی که در شب معراج به گوش جان محمد صلی الله علیه و آله نشستی، تویی که در بستر او آرمیدی، و جان شیرینت را با یک شب عذاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله معامله کردی، تویی آن شمشیر ممدوح ملائک الهی که در میان هوا ناک اُحد جان اسلام را نجات دادی، تویی که در قلعه ظلم یهود ایستاد و خداوندی از جای کندی و پلی ساختی برای عبور اسلام از مرز کفر و ایمان. همه اخلاص به هنگامه نبرد تو با خصم به تماشا ایستاد، آنگاه که از روی سینه پدگ زخم خورده خندق برخاستی تا خود را با خدا در کار خدایی شریک نسازی. هزاران بوسه بر پای مبارکت باد، که بر شانه رسول خدا صلی الله علیه و آله به جایگاه دست پروردگار ایستاد و آثار طاغوت را درهم شکست. اوج مردانگی تو در تحمل مظلومیت توست؛ آن وقتی که ناله‌های جانسوز دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدی و چشم به دیدگان اشک آلود فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله دوختی، اما بر بازوای قدرتمند الهی خود نهیب زدی که هان وقت نماز است، صبر و شکیبایی را برای حفظ حقیقت اسلام ببذیر.

اسلام ناب با ولایت تو آغاز شد و به همت والای تو رشد کرد و با زمامداری تو به کمال رسید و تا قیامت، اسلام علی علیه السلام راست قامت ایستاده است؛ که گفته‌اند: دین، دوستی علی علیه السلام و جهنم منزلگاه دشمنان

اوست و هیچ عبادتی بدون حبّ او پذیرفته نیست. خوشا به حال دوستان علی (علیه السلام) و بدا به حال دشمنان او.

آنچه گفته شد شمه‌ای از فضائل آن بزرگوار بود که به بیان الکن راقم این سطور جاری گشت، امّا بهتر آن است که هم سخن با ملای روم شویم و از حضرتش بخواهیم که خود از خویشتن بگوید:

ای پس سؤ القضا حسن القضا	راز بگشای ای علی مرتضی
شمه‌ای واگو از آنچه دیده‌ای	ای می که همه عقل و دیده‌ای
بی زبان چون ماه پرتو می‌زنی	از تو بر ما تابان پیران چون کنی
شبروان را زودتر آرد به راه	لیک اگر در کتب آید حرص ماه
چون بگوید شد ضیا اندر ضیا	ماه بی گفتن چو باشد ره ما
چون شعاعی آفتاب حلم را	چون تو بایی آن مدینه علم را
رسد از تو قشور اندر لباب	باز باش ای باب بر جویای باب
ببر گاه ما له کفوا احد ^(۱)	باز باش ای باب رحمت تا ابد

خواننده عزیز! آنچه را در این کتاب ملائمه می‌کنید، آن بخشها و فرازهایی از نهج البلاغه است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به مناسبت وقایعی که جریان می‌یابد و بعضاً مورد اتهام و ناحق‌گویی و بی‌انصافی اطرافیان واقع می‌شود، از خود به دفاع برخاسته و به گوشه‌هایی از امتیازات خود پرداخته است و گاه چون به تعبیری می‌رسد که گوش فلک از شنیدن آن ناتوان است، به اشاره می‌گذرد و لب فرو می‌بندد که «اگر در خانه کس

است، یک حرف بس است.» افسوس که این گوهر تابناک روزگار در جمع مردم بی مقدار خریداری نیافت و همچنان تا امروز مهجور و بی مشتری است. آری علی علیه السلام هر زمان و هر مکان تنها است و ما که امروز دم از ولایت او می زنیم نتوانسته ایم حتی چند قدم او را همراهی کنیم.

خداوندا! ما را توفیق عنایت کن تا بیش از پیش بتوانیم در جهت اهـ اف الهی امام علی علیه السلام قدم برداریم. خداوندا! ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را مقدر ما قرار داده و ما را با حبّ او زنده بدار و همراه با حبّ او بمیران. و در دلتا اگر بر این اثر کوچک ثوابی مقدر است آنرا به روح مادرم که از سلاطین پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله است هدیه بفرما.

در انتها قصیده میخوانم: «مرثیة آیت الله حاج میرزا محمد ثقفی؛ والد معظم که در فضایل و منافع ولایت متقیان امیرمؤمنان علیه السلام سروده شده است را زینت بخش این سطور قرار می دهم.